

تأثیر روش‌های تأمین مالی مدیریت شهری بر حق‌برشهر در کلانشهر تهران*

غلامرضا کاظمیان^۱، غلامرضا کامیار^۲، امیرحسین معصومی‌فر^{۳*}

^۱دانشیار مدیریت شهری دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری، تهران، ایران.

^۲وکیل پایه یک دادگستری و مدرس دانشگاه، تهران، ایران.

^۳کارشناس ارشد مدیریت شهری دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۲/۲۸، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۱/۳۱)

چکیده

امروزه چالش تأمین مالی به یکی از مهم‌ترین معضلات شهرداری‌ها به خصوص در کلانشهر تهران بدل شده که بررسی کمیّت و کیفیت تأثیر این مسأله بر حق‌برشهر، هدف مقاله حاضر است. روش تحقیق به لحاظ هدف کاربردی و تکنیک تحلیل داده‌ها تحلیل محتوای جهت دار از نوع کیفی انتخاب شده است. داده‌های مورد نیاز تحقیق از طریق مصاحبه‌ی نیمه باز با ۱۵ تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر حوزه شهری گردآوری شده است. در تحلیل داده‌ها، ابتدا جملات پرتکرار مندرج در مصاحبه‌ها احصا و پس از آن متغیرها و مقوله‌های لازم جهت کدگذاری، تعیین شدند. همچنین مبتنی بر مدل تحلیلی تحقیق که تشکیل شده از ۱۰ مؤلفه در روش‌های تأمین مالی مدیریت شهری و ۴ مؤلفه در حق‌برشهر است، کدگذاری متناظر با سؤال تحقیق صورت پذیرفت. پایایی کدگذاری‌ها با بکارگیری روش پایایی مرکب محاسبه شد که حاصل آن ۰/۸۲ بود. مبتنی بر این نتایج، اخذ بهای خدمات و درآمد مؤسسات انتفاعی شهری به عنوان بهترین روش و عوارض بر پروانه‌های ساختمانی به عنوان بدترین روش تأمین مالی به لحاظ تأثیر بر حق‌برشهر تعیین شدند. در میان مؤلفه‌های حق‌برشهر نیز، حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی دارای بالاترین اثرپذیری مثبت و حق مالکیت و دسترسی به فضا دارای بالاترین اثرپذیری منفی از روش‌های تأمین مالی است.

واژه‌های کلیدی

تأمین مالی، مدیریت شهری، حق‌برشهر، تحلیل محتوا، تهران.

*مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده سوم با عنوان «تأثیر نظام تأمین مالی مدیریت بر حقوق شهروندی در کلانشهر تهران» که با راهنمایی نگارنده اول و مشاوره نگارنده دوم ارائه شده است.

**نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۷۸۵۳۸۲۴، نمابر: ۰۲۱-۵۵۸۹۳۶۱۱، E-mail: ah.masoumifar@yahoo.com

مقدمه

کسب درآمد از طریق فروش تراکم مازاد و اعطای مجوز به تغییر کاربری اراضی شهری برداشته شود (هادی زنوز، ۱۳۸۵). اجازه بارگذاری‌های بیش از سقف مجاز و تغییر دادن کاربری اراضی شهری به منظور تأمین منابع مورد نیاز مالی، به معنای چوب فروش زمین و آسمان شهر به بهانه‌ی تأمین هزینه‌های اداره آن است. این چالش را می‌توان از جمله مهم ترین مسائل مدیریتی شهرهای کشور در حال حاضر برشمرد به نحوی که بخش قابل توجهی از مطالعات حوزه‌ی اقتصاد شهری را به سمت روش‌هایی به منظور تأمین مالی پایدار شهرداری‌ها سوق داده است. تأمین مالی از طریق شهر فروشی به غیر از آثار نامطلوب اقتصادی و مالی، با رسالت بنیادین مدیریت شهرها نیز در تعارض است و مستقیماً حقوق شهروندان را تضییع می‌کند. با این وجود مطالعات انجام شده در این حوزه غالباً خالی از نگرش‌های انسانی و اجتماعی بوده و کم‌تر به آثار نامطلوب منابع ناپایدار درآمدی بر ابعاد گوناگون زندگی شهری توجه کرده است. از این رو مسأله‌ی اصلی این پژوهش، رابطه‌ی روش‌های تأمین مالی شهری با حق ساکنان کلانشهر تهران است که پرداختن به آن از ۳ منظر حائز اهمیت است. اولاً، تحقق یا تضییع حق برشهر شهروندان تهرانی را شفاف کرده که نتایج آن می‌تواند برای تصمیم‌گیران ذی‌ربط حائز اهمیت باشد. ثانیاً، شناخت وضع کنونی در این خصوص به‌عنوان شرطی لازم و مقدمه‌ای ضروری به منظور دستیابی به وضعیت مطلوب خواهد بود و نهایتاً طراحی الگوی تحول و یا اصلاح شیوه‌های تأمین مالی شهرداری‌های ایران را با توجه به جنبه‌های انسانی و اجتماعی موضوع، بسترسازی خواهد کرد. بنابراین مقاله حاضر به دنبال آن است تا با مطالعه عناصر، مؤلفه‌ها و ابعاد روش‌های تأمین مالی شهرداری تهران و مطالعه عناصر، مؤلفه‌ها و ابعاد مفهوم حق برشهر، اثر روش‌های تأمین مالی شهرداری تهران را بر تحقق و یا تضییع حق برشهر ساکنان آن توصیف و تحلیل نماید.

ایجاد جامعه‌ی حق محور در برابر جامعه‌ی تکلیف محور و روشن‌ساختن حدود مرز حقوق شهروندان نسبت به دیگر عناصر حیات جمعی، به یکی از مهم‌ترین مناقشه‌های هزاره‌ی جدید بدل شده است. امروزه بر کسی پوشیده نیست که حقوق معنوی و مادی شهروندان تحت تأثیر اقسامی از کنش‌های حاکمیتی در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی قرار دارد که بخش قابل توجهی از این کنش‌ها منجر به تضییع حقوق شهروندان می‌گردد. تأمین هزینه‌های توسعه و نگهداشت شهرها و کسب درآمد لازم برای این منظور نیز از جمله‌ی این کنش‌هاست که در سطوح محلی حاکمیت رخ می‌دهد. بدیهی است که شهرها برای اداره خود نیازمند پرداخت هزینه‌های ضروری متنوعی هستند که می‌بایست از طریق منابع مالی مطلوب تأمین شوند.

به دلیل آنکه مدیریت امور عمومی به منظور افزایش امنیت، رفاه و آسایش شهروندان و بهبود کیفیت زندگی آنان صورت می‌پذیرد (کاظمیان و دیگران، ۱۳۹۲)، روشن است که اگر یکی از حوزه‌های مهم مدیریت شهری همچون تأمین منابع مالی، به طریقی مسأله‌ساز شده که با رسالت و فلسفه مدیریت شهری در شرایط ناهم‌سویی قرار گیرد، آن‌گاه مسأله‌ای به وقوع پیوسته که رفع آن در اولین قدم نیازمند بررسی و تعمق علمی است. طی سال‌های اخیر در ایران بعد از آن که دولت تصمیم گرفت به منظور کوچک‌سازی خود مسئولیت تأمین مالی شهرداری‌ها را به خودشان واگذار کند، تأمین مالی شهری و روش‌های تحقق آن در شهرداری‌ها به مسأله‌ای اساسی بدل گشت و دلایلی چون نبود ظرفیت تکنیکی در مدیریت منابع مالی، تمرکز مضمّن بر ارائه‌ی گسترده‌ی محدودی از خدمات، وابستگی مالی ریشه دار در حکومت‌های محلی، عدم پذیرش سهم بخش‌های مردمی، خصوصی و دولتی از هزینه‌های شهری به تناسب منفعتشان از حضور در شهر (همان، ۲۴۷) و نیز به دلیل وجود خلأهای قانونی در تأمین مالی مستقلانه‌ی شهرداری‌ها سبب شد تا در شهرهای بزرگ به ویژه در کلانشهرهای کشور قدم‌هایی به منظور

۱- مبانی نظری

۱-۱. تأمین مالی مدیریت شهری

۱-۱-۱. مبانی مالیه حکومت‌های محلی

عدم تمرکز در مدیریت منابع مالی که در پژوهش‌های حرفه‌ای و علمی از آن تحت عنوان فدرالیسم نام برده می‌شود، موضوعات کلیدی و مهمی را در حوزه مدیریت منابع درآمدی در سطوح مختلف دولت در بر می‌گیرد (همان، ۱۳۸۸). اولین بار اقتصاددانان با ارائه نظریاتی در باب لزوم دخالت دولت در اقتصاد به دلیل شکست بازار، زیربنای مباحث مالیه عمومی را تشکیل دادند. در این خصوص تصویری که اقتصاددانانی چون ساموئلسون^۱ و آرو^۲ در قالب فدرالیسم مالی اولیه ارائه دادند، لزوم ورود بخش عمومی به اقتصاد در جایی است که بازار به دلیل وجود انواعی از کالاهای عمومی با شکست مواجه می‌شود. این اقتصاددانان معتقدند که در این شرایط، دولت‌ها موظف به جبران شکست بازار هستند. فرض اساسی و مشترک این عقیده

آن بود که دولت به شکل طبیعی حافظ منافع عموم مردم و به دنبال بهبود وضعیت رفاهی جامعه است. بر این اساس، هر سطحی از دولت اعم از دولت مرکزی و دولت محلی باید در راستای بهبود رفاه اجتماعی، در سطح قلمرو تحت سیطره خود اقدام نماید (Arrow, 1997). از این رو به منظور رفع نیازهای عمومی که بازار توانایی پاسخگویی مناسب به آن را نداشت، اولین نشانه‌های شکل‌گیری مالیه عمومی و نیاز به مدیریت منابع و مصارف در سطح حاکمیت مرکزی و به تبع آن حاکمیت محلی پدیدار شد. پس از این نظریات، فدرالیسم مالی جدید با زیر سؤال بردن فرض اساسی فدرالیسم مالی اولیه که طی آن دولت پاسدار منافع عمومی قلمداد می‌شد، ایجاد گردید. در این نگاه، ذی‌نفعان یک اجتماع اعم از مردم و مقامات رسمی، تابع اهداف و انگیزه‌های خود عمل می‌کنند. براین اساس ایده اولیه حرکت از سوی تمرکز به سمت عدم تمرکز در سطوح و ذی‌نفعان متکثر تصمیم‌گیری و متعاقب آن لزوم مشارکت حداکثری

شامل می‌شوند. تبیین روش‌های درآمدی شهرداری تهران در قالب یک صورت‌بندی خلاصه از این منظر حائز اهمیت است که براساس عنوان تحقیق، بررسی تأثیر روش‌های تأمین مالی شهرداری بر حق‌برشهر هدف پژوهش است، نه توصیف روش‌های تأمین مالی که به همین جهت از تشریح روش‌های درآمدی مندرج در جدول ۱ صرف‌نظر شده است.

۱-۲. حق‌برشهر

مطالعه نظریات ارائه‌شده در باب مفهوم شهروندی با محور قرار دادن آراء توماس همفری مارشال^۵ نشان می‌دهد که «به طور معمول، بهره‌برداری از حقوق شهروندی به شهروندان کشور منحصر می‌شود» (Purcell, 2002, 102). اما حق‌برشهر، ادراک متفاوتی از حقوق شهروندی است تا بتواند از شهروندی متداول یا همان مفهوم شهروندی در نظر مارشال فاصله بگیرد (کریمی و کامیار، ۱۳۹۶). هانری لِفور^۶ بنیان‌گذار واژه حق‌برشهر عقیده دارد حقوق شهروندی آن حقی است که به شهرنشینان یا همان ساکنان

ایشان در فرآیند تصمیم‌گیری، شکل‌گرفت (Besley & Coate, 2003). این ایده در لایه‌های عملیاتی خود به استقلال هر چه بیشتر حکومت‌های محلی از حکومت مرکزی به ویژه از منظر تأمین منابع مالی منجر شد.

۱-۲-۱. روش‌های تأمین مالی شهرداری تهران

اگرچه تهران نیز همانند دیگر شهرها و کلانشهرهای کشور از اسناد تقنینی بالادستی در حوزه‌ی تأمین مالی شهرداری‌ها پیروی می‌کند، اما کاوش در بودجه‌های سنواتی شهرداری تهران حاکی از آن است که صورت‌بندی عناصر، ابعاد، مؤلفه‌ها و اقلام تأمین مالی بودجه شهرداری تهران اندکی با سایر شهرهای کشور تفاوت دارد. در جدول ۱، روش‌های تأمین مالی مذکور به تفکیک و در ۴ ستون ابعاد، مؤلفه‌ها، زیرمؤلفه‌ها و اقلام تأمین مالی قابل مشاهده است. براساس جدول ۱، منابع مالی شهرداری تهران به ۳ طریق درآمدی، واگذاری دارائی‌های سرمایه‌ای و واگذاری دارائی‌های مالی تأمین می‌شود که مجموعاً ۱۰ مؤلفه، ۱۷ زیرمؤلفه و ۸۳ قلم درآمدی را

جدول ۱- روش‌های تأمین مالی شهرداری تهران. مأخذ: اقتباس از بودجه مصوب سال ۹۳ شهرداری تهران (۱۳۹۳)، بودجه مصوب سال ۹۴ شهرداری تهران (۱۳۹۴)، بودجه مصوب سال ۹۵ شهرداری تهران (۱۳۹۵) و بودجه مصوب سال ۹۶ شهرداری تهران (۱۳۹۶)^۲

روش‌های تأمین مالی شهرداری تهران			
ابعاد	مؤلفه‌ها	زیر مؤلفه‌ها	اقلام
درآمدها	درآمدهای ناشی از عوارض عمومی (درآمدهای مستمر)	عوارض بر ارتباطات و حمل و نقل	عوارض اسناد رسمی
			عوارض گذرنامه
			عوارض بلیط هوایی
			سایر موارد (عوارض حاصل از مالیات بر ارزش افزوده)
			عوارض بر پروانه‌های ساختمانی (زیر بنا)
			عوارض بر پروانه‌های ساختمانی (پذیره)
			عوارض بر پروانه‌های ساختمانی (عوارض ساختمان‌های غیرمجاز)
			عوارض نقل و انتقال ملک
			عوارض نوسازی
			تعمیر پروانه‌های ساختمان‌های نیمه‌کاره
سایر موارد			
درآمدهای ناشی از عوارض عمومی (درآمدهای مستمر)	عوارض بر ارتباطات و حمل و نقل	عوارض بر ارتباطات و حمل و نقل	عوارض شماره گذاری سالیانه‌ی موتور سیکلت و سایر وسائط نقلیه (عوارض نخستین مرتبه‌ی شماره گذاری)
			عوارض ثبت نام آزمایش رانندگی (گواهینامه رانندگی)
			عوارض سالیانه‌ی خودروهای سواری (عوارض سالیانه‌ی اتومبیل)
			عوارض سالیانه‌ی خودروهای سواری (عوارض وانت بار)
			عوارض توسعه قطار شهری و حمل و نقل ریلی
			عوارض تردد وسایل نقلیه در محدوده‌های مرکزی و ترافیک (مجوز ورود به محدوده طرح ترافیک)
			جرایم رانندگی
			سایر موارد (دکل، آنتن، تأسیسات مخابراتی)
			جرایم حاصل از اجرای طرح ناحیه کاهش آلودگی هوا (LEZ)
			عوارض بلیط مسافری و باربری
عوارض بر پروانه‌های کسب فروش و خدماتی	عوارض بر پروانه‌های کسب فروش و خدماتی	عوارض بر پروانه‌های کسب فروش و خدماتی	عوارض سینما و نمایش
			عوارض بر اماکن عمومی (هتل، مسافر خانه و غیره)
			عوارض بر پروانه‌ی کسب و پیشه و حق صدور پروانه
			عوارض بر قراردادهای
			عوارض بر تولید یا فروش محصولات تولیدی
			عوارض حق الطبع
			عوارض ۳ درصد حق‌النظاره مهندسین ناظر ساختمان و سایر حق‌نظارت (برگه مهندسین)
			عوارض آگهی‌های تبلیغاتی
			عوارض پیشه‌وران مؤسسات درمانی
			درآمدهای حاصل از تابلوهای معرف کاربری تبلیغاتی

سه‌میه از عوارض (موضوع تبصره ۱ ماده ۶) تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون مالیات بر ارزش افزوده	درآمدهای ناشی از عوارض اختصاصی - سه‌میهی عوارض وصولی متمرکز	درآمدهای ناشی از عوارض اختصاصی	
سه‌میه از عوارض (موضوع تبصره ۳ ماده ۲) تبصره ۳ ماده ۴۱ قانون مالیات بر ارزش افزوده			
حق آسفالت و لکه گیری و ترمیم حفاری (درآمد حفاری عرضی)		بهای خدمات و درآمدهای مؤسسات انتفاعی شهرداری	
حق آسفالت و لکه گیری و ترمیم حفاری (درآمد حفاری طولی)			
درآمد حاصل از خدمات پیمانکاری			
درآمد حاصل از فروش و جمع آوری زباله			
بهای خدمات مدیریت پسماند (مسکونی)	درآمد ناشی از بهای خدمات شهری		
بهای خدمات مدیریت پسماند (تجاری و اداری) کسب و پیشه			
لایروبی			
بهای خدمات از مهاجرین خارجی			
بهای خدمات مدیریت پسماند (ساختمانی و عمرانی)			
حق بهره برداری از پیاده روها			
درآمد حاصل از مشاغل سیار و بی کانون	درآمد تأسیسات شهری		
درآمد مراکز فرهنگی			
درآمد حاصل از سرمایه گذاری در بخش خصوصی	درآمد حاصل از وجوه شهرداری		
درآمد حاصل از وجوه سپرده‌های شهرداری			
درآمد حاصل از سود سهام سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه			
سایر موارد			
مال الاجاره ساختمان‌ها و تأسیسات (ساختمان)		درآمدهای حاصل از وجوه و اموال شهرداری	
درآمد حاصل از پارکینگ و پارکومترها (حق ورود به توقفگاه‌ها و پارکینگ‌های عمومی)			
درآمد حاصل از پارکینگ و پارکومترها	درآمد حاصل از اموال شهرداری		
درآمد حاصل از بازارهای روز هفتگی (بازارهای سنتی)			
سود حاصل از فروش دارائی‌های ثابت			
درآمد حاصل از زیرساخت‌های ارتباطی			
جریمه کمیسیون ماده صد			
ضبط سپرده‌های مطالبه نشده			
ضبط سپرده‌های معاملات شهرداری			
حق تشرف			
عوارض حفظ و گسترش فضای سبز شهر تهران	اموال و دارائی‌هایی که به طور اتفاقی یا به موجب قانون به شهرداری تعلق می‌گیرد	اعانات، هدایا و دارائی‌ها	
جریمه سد معبر			
هزینه تأخیر و خسارت تأدیه چک (جرائم متعلقه از تأخیر پرداخت عوارض ۲.۵ درصد)			
خسارت وارده به اموال شهرداری			
تخلیه‌ی خاک و نخاله			
سایر موارد			
عوارض و درآمدهای وصولی در حریم استحقاقی	عوارض و درآمدهای وصولی در حریم استحقاقی	عوارض و درآمدهای وصولی در حریم استحقاقی شهرها	
عوارض ایمنی ساختمان‌ها			
عوارض بر مازاد تراکم (در حد مجاز)			
عوارض بر تفکیک اراضی و ساختمانی			
عوارض بر بالکن و پیش‌آمدگی			
درآمد حاصل از تغییر کاربری‌ها	عوارض بر پروانه‌های ساختمانی	عوارض بر پروانه‌های ساختمانی	منابع حاصل از واگذاری دارائی‌های سرمایه‌ای
عوارض افزایش ارزش قانونی ناشی از طرح‌های توسعه شهری			
عوارض تأمین پارکینگ			
عوارض بهره برداری موقت از املاک			
عوارض دیوارکشی			
فروش اموال غیر منقول	فروش اموال شهرداری	فروش اموال شهرداری	
فروش اموال منقول و اسقاط			
فروش سرقفلی			
وام‌های دریافتی از بانک‌ها	وام‌های دریافتی از بانک‌ها	وام‌های دریافتی	
مازاد درآمد بر هزینه دوره‌های ماقبل	مازاد درآمد بر هزینه دوره‌های ماقبل	سایر منابع	منابع حاصل از واگذاری دارائی‌های مالی
وصول مطالبات از محل اسناد دریافتی	وصول مطالبات		
وصول سایر مطالبات معوقه			
سایر موارد	سایر موارد		

مهم‌ترین شاخص‌های سنجش حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی را می‌توان میزان پاسخگویی مدیریت شهری به شهروندان و حدّ مردم‌سالارانه بودن تصمیم مدیریت شهری قلمداد کرد (Ibid., 2002). از جمله مصادیق حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی می‌توان مشارکت در انتخابات اعضای شوراهای شهر و ارائه درخواست جمعی توسط ساکنین یک محله به شهرداری برای ترمیم آسفالت یک معبر را برشمرد.

۱-۲-۲. حق مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی

به تعبیر لفور، «مفهوم شهروندی بر پایه‌ی استفاده‌ی کامل از فضا با هدف ایجاد یک زندگی اجتماعی متفاوت شکل می‌گیرد» (Lefe-bvre, 1996, 173). استفاده‌ی کامل از فضا، رابطه‌ای دو طرفه به معنای اثرگذاری و تولید فضا از یکسو و بهره‌مندی و اثرپذیری از فضا از سوی دیگر است. درگیر شدن و تعامل افراد با رخداد‌های اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و اقتصادی را که به معنای کنشگری شهروندان در تولید و تعامل با فضاست، منجر به مشارکت و اثرگذاری آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های غیرحاکمیتی به‌عنوان عنصر اصلی در تشخیص این مؤلفه از حق‌برشهر خواهد شد. شهروندان حق دارند اطلاعات آن چه که می‌خواهد در فضا تولید بشود و آنچه که تولید شده را داشته باشند و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در تغییر آن‌ها اثرگذار باشند (Jabareen, 2014). به تعبیر دیگر، حق مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی شامل کنش‌ها یا اقداماتی از سوی آحاد ذی‌نفعان شهری در رویدادهایی است که مشخصاً فارغ از ایفای نقش در رویداد مورد نظر توسط تصمیم‌گیران حاکمیتی در سطح محلی صورت می‌گیرد. شاخص‌های اصلی در سنجش میزان مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی را می‌توان در دو عامل توانمندسازی شهروندان توسط مدیریت شهری و حدّ انسجام اجتماعی شهروندان خلاصه کرد (Purcell, 2002). از جمله مصادیق حق مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی می‌توان اجرای یک نمایش هنری در فضای عمومی و تجمع شهروندان برای مشاهده آن، تا شکل‌دهی به اجرای یک برنامه پیاده‌روی آخر هفته و مشارکت در آن توسط ایشان را برشمرد. این مؤلفه از حق‌برشهر، نافی حق فردیت^{۱۱} در فرآیند اجتماعی شدن نیست. بدین معنی که افراد در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی مؤخّرتند و حق آزادی و حق تفاوت در جامعه برای شهروندان محفوظ است (Jabareen, 2014).

۱-۲-۳. حق بهره‌مندی از ویژگی‌های فضا

فارغ از جنبه‌ی کنشگری و اثرگذاری شهروندان بر فضا که به مؤلفه‌ی مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی اشاره دارد، بهره‌مندی و اثرپذیری شهروندان از فضا نیز حائز اهمیت است. کنترل داشتن بر فضا و اعمال نظر درباره آن از طریق مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، لزوماً به معنای استفاده از فضا یا مالکیت آن نیست، از این رو باید میان حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و بهره‌مندی از ویژگی‌های آن تفاوت قائل شد. لفور حق بهره‌مندی از فضای شهری را به معنای حق استفاده شهروندان از تمامی فضاهای شهری به منظور مرتفع کردن احتیاجات روزمره می‌داند (Lefebvre, 1996). این حق عبارت است از استفاده شهروندان از فضا، اجتماع و فرهنگ.

شهر تعلق دارد (Lefebvre, 1996, 158). تعبیر جدیدی که لفور از حقوق شهروندی ارائه داد، از اواخر قرن بیستم میلادی به شکل قابل توجهی توسط دیگر نظریه‌پردازان حوزه‌ی شهری مانند هاروی^{۱۲} (۲۰۰۸)، پارسل^{۱۳} (۲۰۰۲، ۲۰۱۳)، ایسین^{۱۴} (۲۰۰۰) و آتو^{۱۵} (۲۰۱۱) بسط پیدا کرد و تا اکنون نیز ادامه داشته است.

به دلیل انتزاعی بودن مفهوم حق‌برشهر، سنجش‌پذیری آن عمدتاً با خلأ مواجه بوده و محققین حسب گرایشات علمی خود ابعاد و مؤلفه‌هایی را برای آن ترسیم کرده‌اند. اگرچه ماهیت غیرانضمامی حق‌برشهر باعث شده تا مفهوم‌پردازی آن از یکسو دچار کثرت و تعدد و از سوی دیگر دچار هم‌پوشانی نسبی ابعاد و مؤلفه‌های ترسیم‌شده در خوانش‌های مختلف از آن شود، باید در نظر گرفت که معیار تفکیک ابعاد و مؤلفه‌ها برای مفهوم‌پردازی حق‌برشهر، اولویت‌دادن به عناصر مفهومی بر حسب هدف تحقیق علی‌رغم وجود برخی هم‌پوشانی‌هاست. در ایران نیز پژوهش‌های گوناگونی پیرامون مفهوم حق بر شهر و اثرپذیری یا اثرگذاری آن بر دیگر مفاهیم صورت گرفته است. در این بین پژوهش معروفی و وحیدی برجی (۱۳۹۴) با عنوان «فضا و تحقق‌پذیری حق شهری: شناسایی مؤلفه‌های برآمده از حق شهری به منظور تحلیل و ارزیابی پروژه نواب در تهران و لادفانس در پاریس» و همچنین تحقیق رفیعیان و الوندی‌پور (۱۳۹۴) با عنوان «مفهوم‌پردازی اندیشه حق بر شهر؛ در جستجوی مدلی مفهومی» توانسته‌اند صورت‌بندی شفاف، دقیق و کاربردی از عناصر تشکیل‌دهنده، ابعاد و مؤلفه‌های حق‌برشهر ارائه دهند. در این پژوهش نیز، مفهوم حق‌برشهر بر مبنای هدف و مطالعه‌ی ادبیات موضوع، شامل ۲ بُعد یعنی حق مشارکت شهری و حق فضای شهری و ۴ مؤلفه اعم از حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی، حق مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی، بهره‌مندی از ویژگی‌های فضا و مالکیت و دسترسی به فضا صورت‌بندی شده است.

۱-۲-۱. حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی

لفور معتقد بود که رشد سرمایه‌محور شهرها از یکسو باعث رانده شدن شهروندان از مرکز دایره‌ی تصمیم‌گیری و کاهش نقش آفرینی آنان در توانایی ایجاد تغییر در فضای شهری می‌شود و از سوی دیگر نخبگان و سرمایه‌داران را به شهر مسلط می‌کند. در حالی که کنترل کاربری اراضی شهری حق مالکان زمین و نخبگان اقتصادی و سیاسی نیست، بلکه این حق متعلق به افراد متأثر از تصمیمات گرفته‌شده است (Purcell, 2002). اهمیت این مؤلفه از حق‌برشهر در نسبت با مفهوم حکمروایی شهری بیشتر نمایان می‌شود. مشارکت در تصمیم‌گیری‌های حاکمیتی که در حق‌برشهر مورد تأکید است، با تعدد و تکثر کنشگران تصمیم‌گیر در مفهوم حکمروایی شهری (Taylor, 2006)، تناظر دارد. به تعبیر دیگر، حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی شامل کنش‌ها یا اقداماتی از سوی آحاد ذی‌نفعان شهری در نسبت با حاکمیت است که منجر به اثرگذاری بر تصمیمات حاکمیت در سطح محلی می‌شود. به طور کلی هر تصمیمی که فضای شهری و شهروندان را به طور فراگیر در مقیاس محلی تحت تأثیر قرار می‌دهد، از مصادیق حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی محسوب می‌شوند (Purcell, 2002).

همچنین به منظور پاسخگویی به سؤال تحقیق، مدل تحلیلی پژوهش در تصویر ۲ ترسیم و روابط میان مؤلفه‌ها و عناصر تشکیل دهنده‌ی متغیرهای مستقل یعنی روش‌های تأمین مالی، و وابسته یعنی حق‌برشهر در آن مشخص شده است.

در این مدل، روش‌های تأمین مالی مدیریت شهری به ۳ گروه و ۱۰ روش درآمدی عمده تقسیم شده که مبتنی بر ستون ابعاد و مؤلفه‌ها در جدول ۱ است. از آنجا که خردتر شدن بیش از حد روش‌های تأمین مالی تا سطح زیرمؤلفه و اقلام، پایایی سنجش تأثیر آن‌ها بر ابعاد و مؤلفه‌های حق‌برشهر را با چالش اساسی مواجه می‌ساخت، محققین به این سطح از تجزیه روش‌های درآمدی اکتفا کردند. همچنین حق شهروندان بر شهر نیز با ۲ بُعد، ۴ مؤلفه و شاخص‌های ۸ گانه تحت تأثیر روش‌های تأمین مالی قرار می‌گیرد و این اثری است که سنجش آن پاسخ به سؤال تحقیق را روشن خواهد کرد.

۲. روش پژوهش

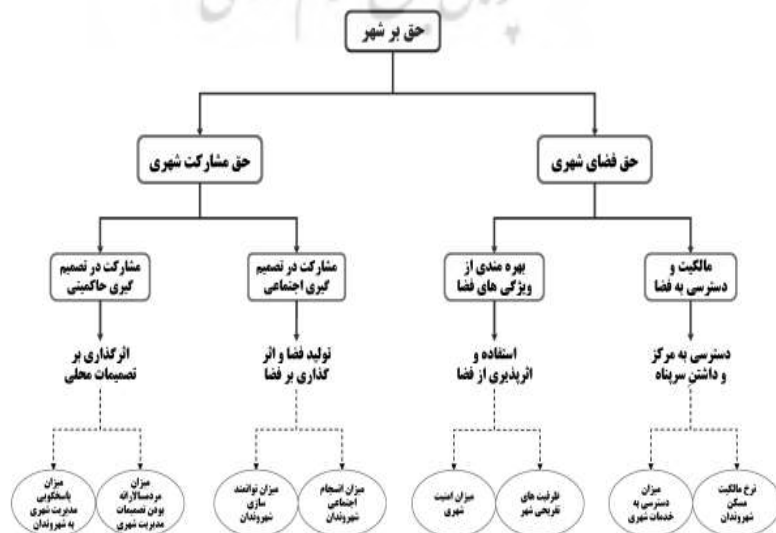
روش این پژوهش کیفی و هدف آن کاربردی است. دلیل استفاده از روش کیفی در پژوهش حاضر، موضوع ارتباط آن با سازمان اجرایی مدیریت شهری در تهران است. چرا که ایجاد شناخت از سازمان‌ها و جمع‌آوری داده‌های مربوط به آن‌ها و تحلیلشان، با استفاده از روش‌های کیفی ساده‌تر و امکان‌پذیرتر خواهد بود (شریف‌زادگان و ندایی طوسی، ۱۳۹۴، ۴۰). این تحقیق بررسی اثر متغیری را بر حق‌برشهر هدف گرفته که درک عمیق از چپستی و عملکرد آن به داشتن تخصص و تجربه‌ی مرتبط نیاز دارد. از این رو با در نظر گرفتن کلانشهر تهران به‌عنوان قلمرو مکانی پژوهش، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان شهری شامل شهرداران و کارشناسان خبره مناطق ۲۲ گانه، مدیران عالی و کارشناسان خبره ستادی شهرداری تهران، و کارشناسان و اعضای شورای اسلامی شهر تهران مجموعاً بالغ بر ۴۵۰ نفر به‌عنوان جامعه آماری تحقیق در نظر گرفته شده‌اند. برای نمونه‌گیری در جامعه مذکور از روش اشباع نظری استفاده شده است. در تکنیک اشباع نظری، شمار نمونه‌های منتخب در

حق بهره‌مندی از ویژگی‌های فضای شهری شامل حق زندگی، بازی، کار، بروز دادن، توصیف کردن و بهره‌بردن از تمامی ویژگی‌های فضای شهری می‌شود (Jabareen, 2014). در میان شاخص‌هایی که برای تعیین وضعیت این مؤلفه از حق‌برشهر آمده است، میزان امنیت شهری و ظرفیت‌های تفریحی شهری، برجسته‌ترین هستند (Purcell, 2002).

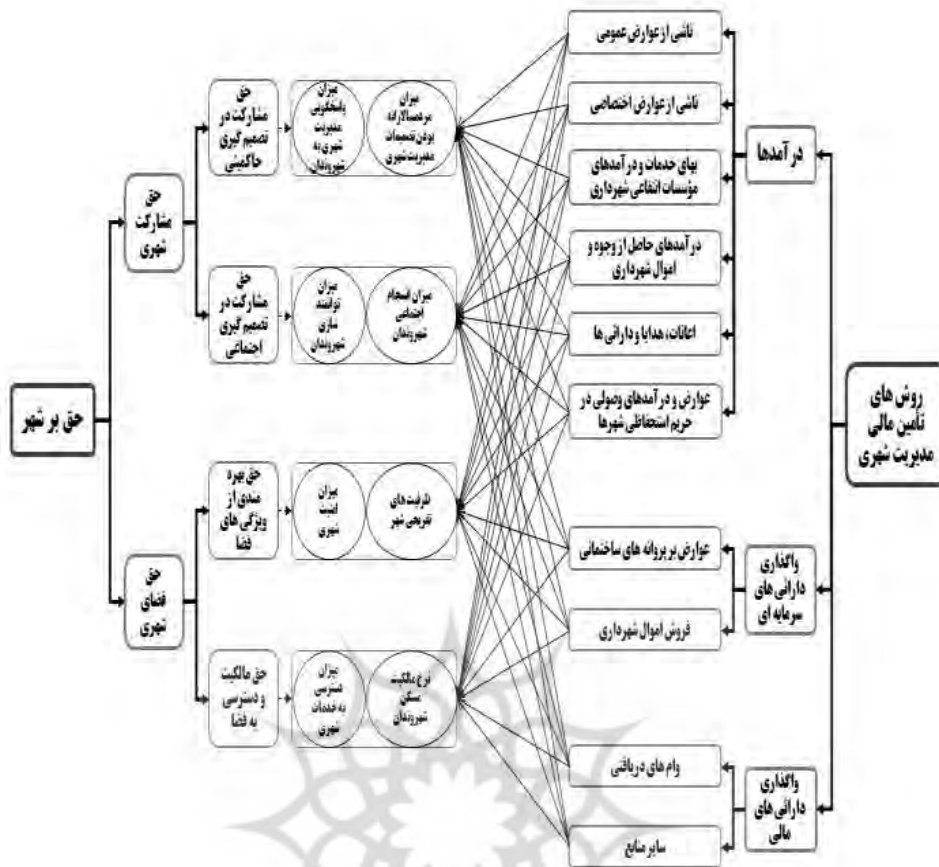
۱-۲-۴. حق مالکیت و دسترسی به فضا

شهروندان مالکیت و دسترسی به فضای شهری را که شامل ویژگی‌های ملموس فضا است، به‌عنوان یک مؤلفه در مفهوم‌پردازی حق‌برشهر دارا هستند. دسترسی به فضاهای شهری و تخصیص یافتن فضا به شهروندان یا مالکیت داشتن آن‌ها بر فضا، عنصر مفهومی اصلی در تشخیص این مؤلفه از حق‌برشهر محسوب می‌شود. این عوامل در شاخص‌های سطح دسترسی به خدمات عمومی و نرخ مالکیت مسکن شهروندان خلاصه می‌شوند (Ibid., 2002). اهمیت حق دسترسی در مرکز شهرها نمود بیشتری پیدا می‌کند. فضاهایی که به واسطه‌ی مطلوبیت موقعیت مکانی از منظر دسترس پذیری، عمدتاً بیش از سایر نقاط شهر مورد توجه سرمایه‌داران و صاحبان قدرت در شهر قرار دارند. به عبارت دیگر، مرکز شهر هم شامل ویژگی مکانی مرکزیت می‌شود، هم بازگوکننده‌ی مرکزیت در قدرت تصمیم‌گیری است و حق دسترسی به مرکزیت عبارت است از حق استفاده از مرکز یعنی مکانی که امتیاز ویژه‌ای به آن تعلق می‌گیرد. تخصیص فضا به شهروندان در قالب مالکیت بر آن نیز بدین معناست که همه‌ی افرادی که در شهر سکونت دارند، علاوه بر داشتن حق سکونت بدون باطل کردن حق دیگران، از حق مسکن نیز برخوردارند. این حق شامل حق داشتن سرپناه یا مسکن ایمن، محافظت‌شده در برابر خطرات محیطی، برخوردار از عدالت زیست محیطی، دارای آب شرب و زیرساخت‌های پایه است (Jabareen, 2014).

بر مبنای آنچه که در مفهوم‌پردازی حق‌برشهر آمد، جمع‌بندی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های تشکیل‌دهنده‌ی حق‌برشهر و روابط میان آن‌ها در تصویر ۱ ملاحظه می‌شود.



تصویر ۱- مفهوم‌پردازی حق‌برشهر. مأخذ: (با اقتباس از (Lefebvre, 1996)، (Jabareen, 2014) و (Purcell, 2002))



تصویر ۲- مدل تحلیلی پژوهش.

این تحقیق موجب می‌گردد تا نتایج به‌دست‌آمده از آن به جهت ساختارمند بودن سازه‌ی سنجش در مقایسه با سایر رویکردهای رایج در تحلیل محتوای کیفی، ضمن ایجاد شناخت عمیق، از دقت و اطمینان بیشتری برخوردار باشد.

به منظور تضمین اعتبار یا روایی تحلیلی متن مصاحبه‌ها در این پژوهش، جامعه آماری منتخب یعنی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران شهری کاملاً در تناسب با موضوع تحقیق برگزیده شده‌اند. در این خصوص با توجه به هدف تحقیق، نمونه‌های منتخب جهت مصاحبه نباید افراد غیرآگاه، غیرمتخصص یا کم‌تجربه در حوزه‌ی موضوع مورد بررسی باشند (هولستی، ۱۳۷۳)، و این نکته در انتخاب جامعه آماری و حجم نمونه رعایت شده است. همچنین در راستای تضمین اعتبار مقوله‌های احصاء‌شده از مفاهیم مندرج در مصاحبه‌ها و همچنین تضمین صحت کدگذاری مقوله‌ها در جدول مربوطه، موارد مذکور در برابر ۵ نفر از پاسخ‌دهندگان به شکل تصادفی قرار گرفت و نظر ایشان در خصوص درستی مقوله‌های احصاء‌شده و کدگذاری صورت‌گرفته اخذ گردید. قابلیت اطمینان، پایایی یا دقت سازه‌ی سنجش در تحلیل محتوا بسیار مورد سؤال است، زیرا ادراک ذهنی محققان و کدگذاری آن‌ها در طبقه‌بندی و ارزیابی مفاهیم و مقوله‌ها تأثیر می‌گذارد (رفیع‌پور، ۱۳۹۴). به منظور تضمین پایایی در این مقاله از تکنیک پایایی مرکب^{۱۳} به‌عنوان یکی از شیوه‌های متداول سنجش دقت در تحلیل محتوا استفاده شده که رابطه‌ی آن عبارت است از:

طی پیشرفت فرآیند تحقیق تعیین خواهد شد. به عبارت دیگر، تعداد نمونه‌ها براساس تکرار در داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها معین خواهد شد و مصاحبه با نمونه‌ها تا آنجا پیش خواهد رفت که داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به تکرار آفتند (هولستی، ۱۳۷۳). در این پژوهش، بعد از انجام ۱۵ مصاحبه پاسخ‌ها در بخش عمده‌ای از سؤالات به تکرار درآمدند. برای گردآوری داده‌ها در مقاله حاضر از مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. در این نوع از مصاحبه، چارچوب پرسش‌ها، ترتیب آن‌ها و حدود پاسخ‌ها برای مصاحبه‌کننده معلوم است، لکن پاسخ‌دهنده در ارائه‌ی جواب‌های دلخواه خود محدودیتی ندارد. بر این اساس پاسخ‌دهنده قادر است به صورت منعطف و بر مبنای نظر خود، شکل و محتوای پاسخ به سؤالات را تعیین کند (رفیع‌پور، ۱۳۹۴، ۲۲).

روش مورد استفاده در تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار^{۱۴} انتخاب شده است. از آنجا که در پژوهش‌هایی با موضوعات نوین و فاقد پیشینه مطالعاتی منسجم، سنجش اثر متغیرهای مستقل و وابسته بر یکدیگر به روشی نیاز دارد که روایی و اعتبار قابل توجهی را دارا باشد، روش تحلیل محتوا در این پژوهش، کیفی انتخاب شده است. موضوعات نو در حقیقت موضوعاتی پیچیده و ناشناخته‌اند و استفاده از روش‌های کمی در این موارد نمی‌تواند شناخت عمیق حاصل کند (Kracauer, 1952). همچنین در تحلیل محتوای جهت‌دار، نقش نظریه ارجاعی است و آغاز مسیر تحلیل را نشان می‌دهد لذا انتخاب روش مذکور در

در رابطه فوق، A نشان دهنده تعداد تصمیم‌های مشترک میان

$$C.R = \frac{2A}{B_1 + B_2}$$

رابطه ۱: پایایی مرکب

دو کدگذار و B1 و B2 به ترتیب تعداد کدگذاری‌ها یا تصمیماتی است که کدگذاران اول و دوم صورت داده اند. از رابطه ۱ در این پژوهش ۲ مرتبه استفاده شده است به این ترتیب که بعد از انجام ۱۵ مصاحبه و عبور از حد اشباع نظری، در مرتبه نخست، مفاهیم پُر تکرار از مصاحبه‌ها استخراج و پس از آن مقوله‌های نظیر با هر سؤال تعیین و دقت استنباط مقوله‌ها محاسبه شده است. در مرتبه دوم و متناظر با سؤال پژوهش، کدگذاران نسبت به تخصیص مقوله‌های استخراج شده از مفاهیم، در جدول مربوطه اقدام کرده‌اند.

۳. یافته‌های پژوهش

برای برآورد تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته پژوهش، براساس مدل تحلیلی مورد نظر در تصویر ۲ مصاحبه‌ای نیمه‌ساختاریافته به منظور جمع‌آوری نظرات تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران حوزه مدیریت شهری تنظیم شد. مصاحبه متشکل از ۶ پرسش جهت شناخت متغیرهای زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان و ۲۰ پرسش منبعث از مدل تحلیلی پژوهش بوده که در هر یک، چيستی، چگونگی و میزان تأثیر مؤلفه‌های تأمین مالی بر ۲ بُعد حق‌برشهر مورد سؤال واقع شده است. همچنین برای پیشگیری از صدمه به دقت سازهی استخراج مفاهیم، از تجزیه‌ی متغیر وابسته تا سطح زیرمؤلفه صرف نظر گردید. مبتنی بر توضیح پیشین در بخش روش تحقیق، حجم نمونه با استفاده از تکنیک اشباع نظری ۱۵ مورد برآورد شد بدین معنا که پس از مصاحبه پانزدهم داده‌های حاصل شده از مصاحبه‌ها به تکرار افتاد. خلاصه یافته‌های توصیفی مصاحبه‌ها به قرار است که در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

پس از دریافت مصاحبه‌ها، محتوای حاصل در فرآیندی ۲ مرحله‌ای بررسی گردید که احصای مفاهیم پُر تکرار و استخراج مقوله‌ها از مفاهیم، به ترتیب مراحل اول و دوم فرآیند مذکور نام دارند. در احصای مفاهیم، گزاره‌های مشابهی که بیشترین فراوانی را در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان دارا بودند، احصا گردیده است. چيستی، جدول ۲- یافته‌های توصیفی مصاحبه‌ها.

متغیرها	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۳
	مرد	۱۲
سن	۲۰ تا ۳۰ سال	۲
	۳۱ تا ۴۰ سال	۳
	۴۱ تا ۵۰ سال	۳
تحصیلات	۵۱ سال به بالا	۷
	کارشناسی	۴
	کارشناسی ارشد	۶
گروه	دکتری	۵
	تصمیم‌سازان	۷
	تصمیم‌گیران	۸

چگونگی و میزان تأثیر ۱۰ مؤلفه‌ی متغیر مستقل پژوهش بر ۲ بُعد متغیر وابسته، مجموعاً ۶۰ پرسش را مقابل مصاحبه‌شوندگان قرار داده و همچنین بخش دیگری نیز به منظور ثبت مفاهیم خارج از ساختار پرسش‌های مصاحبه در نظر گرفته شده است.

در چيستی اثر مؤلفه‌های متغیر مستقل بر ابعاد متغیر وابسته تحقیق، مفهوم «قوی‌ترین اثر نامطلوب را بر حق بهره‌مندی از فضا داراست» با ۱۲ تکرار که تأثیر عوارض بر پروانه‌های ساختمانی را بر حق فضای شهری مورد سؤال قرار داده است، بالاترین فراوانی را بر جای گذاشت. در چگونگی تأثیر یا مکانیزم اثرگذاری مؤلفه‌های تأمین مالی بر ابعاد حق‌برشهر، مفهوم «فضای شهر را در اختیار صاحبان قدرت قرار می‌دهد» با ۱۱ تکرار در ۱۵ مصاحبه که اثر عوارض بر پروانه‌های ساختمانی را بر حق فضای شهری مورد پرسش قرار داده است، بیشترین فراوانی را به ثبت رساند. در میزان تأثیر نیز، مفهوم «اثر مستقیم و بسیار نامطلوب دارد» با ۱۱ تکرار در ۱۵ مصاحبه که اثر عوارض بر پروانه‌های ساختمانی را به ترتیب بر حق مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و حق فضای شهری مورد سؤال قرار داد، بالاترین فراوانی را به ثبت رسانید. همچنین از میان پاسخ‌های خارج از ساختار مصاحبه، مفهوم «وابسته بودن روش‌های تأمین مالی به اهالی قدرت و ثروت، حق‌برشهر را زیر سؤال خواهد برد» با ۷ تکرار، بیشترین فراوانی را کسب کرد. پس از احصای مفاهیم از محتوای ارائه شده توسط پرسش شوندگان، مقوله‌هایی معین برای پاسخ به سؤالات پژوهش تشکیل شد.

مقوله‌های مورد اشاره، گزاره‌هایی شفاف و موجز هستند و ضمن آنکه از مفاهیم استنباط می‌شوند، تمام گستره‌ی مفاهیم پُر تکرار در پاسخ‌ها را در بر می‌گیرند. برای ضمانت روایی مقوله‌های احصاء شده از مفاهیم، مقوله‌های مورد نظر در برابر ۵ نفر از پرسش‌شوندگان به شکل تصادفی قرار گرفت و نظر ایشان نسبت به درستی مقوله‌های استنباط شده دریافت گردید. همچنین مطابق با رابطه‌ی ۱ و محاسبه‌ی پایایی مرکب، پایایی استخراج مقوله‌ها از مفاهیم در رابطه‌ی ۲ محاسبه شده است.

بر این اساس تعریف مقوله‌ها به وسیله‌ی ۲ کدگذار انجام شد.

$$C.R = \frac{2 * 27}{30 + 35} = 0.83$$

رابطه‌ی ۲: پایایی استخراج مقوله‌ها از مفاهیم

کدگذار نخست ۳۵ مقوله را از مفاهیم استنباط و کدگذار بعدی ۳۰ مقوله را استنباط کردند. مقوله‌های مذکور در ۲۷ مورد مشترک بود که بر این اساس محاسبه‌ی پایایی کدگذاری، میزان مطلوب ۰/۸۳ را نشان می‌دهد. بر مبنای مقوله‌های استخراج شده از مفاهیم، اثر روش‌های تأمین مالی بر حق برشهر کدگذاری شده که نتیجه آن در جدول ۳ قابل مشاهده است.

مطابق با جدول ۳، ساختار تأمین مالی شهرداری تهران در قالب ابعاد و مؤلفه‌های آن از ۳ منظر چيستی، چگونگی و میزان تأثیر با ۴ مؤلفه حق‌برشهر در تناظر قرار گرفته و مبتنی بر مقوله‌های احصاء شده از مفاهیم پُر تکرار، با خوانش مجدد مصاحبه‌ها و بازگشت به پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان مورد کدگذاری قرار گرفت که رابطه‌ی بین مؤلفه‌ها و ابعاد روش‌های تأمین مالی شهرداری تهران با مؤلفه‌ها و ابعاد حق‌برشهر را نمایش می‌دهد. به منظور ارتقای روایی

جدول ۳- کدگذاری اثر روش‌های تأمین مالی بر حق‌برشهر.

حق فضای شهری		حق مشارکت شهری				حق برشهر در تهران		روش‌های تأمین مالی مدیریت شهری در تهران
		حق مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی		حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی				
حق مالکیت و دسترسی به فضا	حق بهره‌مندی از ویژگی‌های فضا	انضمام اجتماعی شهروندان	توانمندسازی شهروندان توسط مدیریت شهری	مردمسالارانه بودن تصمیمات مدیریت شهری	پاسخگویی مدیریت شهری به شهروندان			
مالکیت مسکن شهروندان	دسترسی به خدمات شهری	طرفیت‌های تفریحی شهری	امنیت شهری	اثر مطلوب بر کیفیت حق	اثر مطلوب بر کیفیت حق	چستی تأثیر	درآمدهای ناشی از عوارض عمومی	
---	---	---	---	اساس منطقی و حمایت تقنینی	اساس منطقی و حمایت تقنینی	چگونگی تأثیر		
---	---	---	---	غیرمستقیم و بسیار	مستقیم و بسیار	میزان تأثیر		
اثر نامطلوب بر کیفیت حق	وابسته به چگونگی توزیع منابع	اثر مطلوب بر کیفیت حق	اثر مطلوب بر کیفیت حق	اثر مطلوب بر کیفیت حق	اثر مطلوب بر کیفیت حق	چستی تأثیر	درآمدهای ناشی از عوارض اختصاصی	
تضعیف حق به وسیله شهروندان	---	اساس منطقی و حمایت تقنینی	اساس منطقی و حمایت تقنینی	اساس منطقی و حمایت تقنینی	اساس منطقی و حمایت تقنینی	چگونگی تأثیر		
غیرمستقیم و اندک	---	غیرمستقیم و اندک	غیرمستقیم و اندک	غیرمستقیم و اندک	غیرمستقیم و اندک	میزان تأثیر		
اثر مطلوب بر کیفیت حق	اثر مطلوب بر کیفیت حق	اثر مطلوب بر کیفیت حق	اثر مطلوب بر کیفیت حق	اثر مطلوب بر کیفیت حق	اثر مطلوب بر کیفیت حق	چستی تأثیر	بهای خدمات و درآمدهای مؤسسات انتفاعی شهرداری	
پرسشگری شهروندان و ایجاد شفافیت	پرسشگری شهروندان و ایجاد شفافیت	پرسشگری شهروندان و ایجاد شفافیت	پرسشگری شهروندان و ایجاد شفافیت	پرسشگری شهروندان و ایجاد شفافیت	پرسشگری شهروندان و ایجاد شفافیت	چگونگی تأثیر		
مستقیم و بسیار	مستقیم و بسیار	مستقیم و بسیار	مستقیم و بسیار	مستقیم و بسیار	مستقیم و بسیار	میزان تأثیر		
وابسته به چگونگی توزیع منابع	وابسته به چگونگی توزیع منابع	اثر مطلوب بر کیفیت حق	اثر مطلوب بر کیفیت حق	اثر مطلوب بر کیفیت حق	اثر مطلوب بر کیفیت حق	چستی تأثیر	درآمدهای حاصل از وجوه و اموال شهرداری	
---	---	افزونی سرمایه‌های شهری	افزونی سرمایه‌های شهری	افزونی سرمایه‌های شهری	افزونی سرمایه‌های شهری	چگونگی تأثیر		
---	---	مستقیم و بسیار	مستقیم و بسیار	مستقیم و بسیار	مستقیم و بسیار	میزان تأثیر		
اثر نامطلوب بر کیفیت حق	اثر نامطلوب بر کیفیت حق	اثر نامطلوب بر کیفیت حق	اثر نامطلوب بر کیفیت حق	اثر نامطلوب بر کیفیت حق	اثر نامطلوب بر کیفیت حق	چستی تأثیر	اعانات، هدایا و دارایی‌ها	
مراوده مستقیم صاحبان ثروت و قدرت	مراوده مستقیم صاحبان ثروت و قدرت	مراوده مستقیم صاحبان ثروت و قدرت	مراوده مستقیم صاحبان ثروت و قدرت	مراوده مستقیم صاحبان ثروت و قدرت	مراوده مستقیم صاحبان ثروت و قدرت	چگونگی تأثیر		
غیرمستقیم و اندک	غیرمستقیم و اندک	غیرمستقیم و بسیار	غیرمستقیم و بسیار	غیرمستقیم و بسیار	غیرمستقیم و بسیار	میزان تأثیر		
وابسته به چگونگی توزیع منابع	وابسته به چگونگی توزیع منابع	اثر مطلوب بر کیفیت حق	اثر مطلوب بر کیفیت حق	اثر مطلوب بر کیفیت حق	اثر مطلوب بر کیفیت حق	چستی تأثیر	عوارض و درآمدهای وصولی در حرم استحفاظی شهرها	
---	---	مشارکت گروه‌های اقلیت شهری	مشارکت گروه‌های اقلیت شهری	مشارکت گروه‌های اقلیت شهری	مشارکت گروه‌های اقلیت شهری	چگونگی تأثیر		
---	---	غیرمستقیم و اندک	غیرمستقیم و اندک	غیرمستقیم و اندک	غیرمستقیم و اندک	میزان تأثیر		
اثر نامطلوب بر کیفیت حق	اثر نامطلوب بر کیفیت حق	اثر نامطلوب بر کیفیت حق	اثر نامطلوب بر کیفیت حق	اثر نامطلوب بر کیفیت حق	اثر نامطلوب بر کیفیت حق	چستی تأثیر	عوارض بر پروانه‌های ساختمانی	واگذاری دارایی‌های سرمایه ای
تصمیم‌گیری غیرمستقیم شهری توسط صاحبان ثروت	تصمیم‌گیری غیرمستقیم شهری توسط صاحبان ثروت	تصمیم‌گیری غیرمستقیم شهری توسط صاحبان ثروت	تصمیم‌گیری غیرمستقیم شهری توسط صاحبان ثروت	تصمیم‌گیری غیرمستقیم شهری توسط صاحبان ثروت	تصمیم‌گیری غیرمستقیم شهری توسط صاحبان ثروت	چگونگی تأثیر		
مستقیم و بسیار	مستقیم و بسیار	مستقیم و بسیار	مستقیم و بسیار	مستقیم و بسیار	مستقیم و بسیار	میزان تأثیر		
اثر نامطلوب بر کیفیت حق	اثر نامطلوب بر کیفیت حق	اثر نامطلوب بر کیفیت حق	اثر نامطلوب بر کیفیت حق	اثر نامطلوب بر کیفیت حق	اثر نامطلوب بر کیفیت حق	چستی تأثیر	فروش اموال شهرداری	
نماینده مردم در شورای شهر	نماینده مردم در شورای شهر	نماینده مردم در شورای شهر	نماینده مردم در شورای شهر	نماینده مردم در شورای شهر	نماینده مردم در شورای شهر	چگونگی تأثیر		
اثر کم و غیرمستقیم	اثر زیاد و مستقیم	اثر زیاد و غیرمستقیم	اثر زیاد و غیرمستقیم	اثر زیاد و غیرمستقیم	اثر زیاد و غیرمستقیم	میزان تأثیر		
وابسته به چگونگی توزیع منابع	وابسته به چگونگی توزیع منابع	وابسته به چگونگی توزیع منابع	وابسته به چگونگی توزیع منابع	وابسته به چگونگی توزیع منابع	وابسته به چگونگی توزیع منابع	چستی تأثیر	وام‌های دریافتی	واگذاری دارایی‌های مالی
---	---	---	---	---	---	چگونگی تأثیر		
---	---	---	---	---	---	میزان تأثیر		
وابسته به چگونگی توزیع منابع	وابسته به چگونگی توزیع منابع	اثر مطلوب بر کیفیت حق	اثر مطلوب بر کیفیت حق	اثر مطلوب بر کیفیت حق	اثر مطلوب بر کیفیت حق	چستی تأثیر	سایر منابع	
---	---	نماینده مردم در شورای شهر	نماینده مردم در شورای شهر	نماینده مردم در شورای شهر	نماینده مردم در شورای شهر	چگونگی تأثیر		
---	---	غیرمستقیم و اندک	غیرمستقیم و اندک	غیرمستقیم و اندک	غیرمستقیم و اندک	میزان تأثیر		

تشکیل مدل تحلیلی، انتخاب و به کارگیری روش تحقیق حاصل شده است. مطابق با جدول مذکور، تأثیر مثبت یا منفی روش‌های تأمین مالی بر تعمیق یا گسترش حق‌برشهر، محور بررسی این پژوهش است که مقصود از تعمیق حق، افزایش کیفی و مقصود از گسترش حق افزایش کمی آن در سطح جامعه است. در این بخش به بحث و تحلیل در خصوص اثرگذاری روش‌های تأمین مالی بر مؤلفه‌های حق‌برشهر و اثرپذیری مؤلفه‌های حق‌برشهر از روش‌های تأمین مالی پرداخته خواهد شد.

درآمدهای ناشی از عوارض عمومی: این روش تأمین مالی دارای اثر مطلوب بر کیفیت حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی شهروندان و اثر مطلوب بر کمیت حق مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی شهروندان است. نحوه تأثیر آن نیز براساس حمایت تقنینی که پشتوانه‌ی اقلام درآمدی زیرمجموعه‌ی عوارض عمومی همچون عوارض نوسازی یا سایر عوارض بر پروانه‌های

کدگذاری‌های مورد اشاره، مقوله‌های احصاشده به همراه جدول در مقابل ۵ نفر از پرسش‌شوندگان به شیوه تصادفی قرار گرفت و نظر ایشان در خصوص درستی مقوله‌های استخراج‌شده اخذ گردید. در ادامه نیز بر اساس رابطه‌ی پایایی مرکب، دقت کدگذاری مقوله‌ها محاسبه گردید که در رابطه‌ی ۳ قابل ملاحظه است.

در رابطه‌ی بالا، تعداد تصمیماتی که هر کدگذار صورت داده

$$R = \frac{2 * 98}{120 + 120} = 0.82$$

رابطه‌ی ۴: پایایی کدگذاری اثر روش‌های تأمین مالی بر حق‌برشهر

حاصل ضربی است از ۳ متغیر چستی، چگونگی و میزان تأثیر در ۴ مؤلفه حق‌برشهر و ۱۰ مؤلفه‌ی تأمین مالی که عدد ۱۲۰ را نشان می‌دهد. از این میان، کدگذاران در ۹۸ تصمیم اشتراک نظر داشتند که محصول آن عدد مطلوب ۰/۸۲ را به عنوان پایایی نتیجه داده است.

جدول ۳ را می‌توان خروجی یافته‌های پژوهش نامید که پس از

مالی شهری به منظور سرمایه‌گذاری در شهر که بازتولید تملک دارایی‌های سرمایه‌ای شهری قلمداد می‌شود، در بلندمدت و به شکل غیرمستقیم فوایدی را برای شهروندان حاصل خواهد کرد که آثار آن به ویژه از منظر مدیریت فضایی به مرور در شهر نمایان خواهد شد. بر این اساس درآمدهای حاصل از وجوه و اموال شهرداری به‌عنوان یک شیوه درآمدی با نگاه به آینده را می‌توان مصداق بارزی از توجه به مردمسالاری در تصمیم‌گیری حاکمیتی قلمداد نمود.

اعانات، هدایا و دارائی‌ها: براساس یافته‌های پژوهش، این روش تأمین مالی جزء روش‌های دارای آثار نامطلوب بر حق‌برشهر است. این روش تأمین مالی دارای آثار نامطلوب بر کیفیت حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی، اثر نامطلوب بر کیفیت حق مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی، اثر نامطلوب بر کیفیت بهره‌مندی از ویژگی‌های فضا و همچنین اثر نامطلوب بر کیفیت حق مالکیت و دسترسی به فضا است. نحوه تأثیرگذاری آن نیز به موجب درآمدهای ناپایداری مانند جرائم کمیسیون ماده ۱۰۰ است که طی آن زمین‌های مراددهی اصحاب ثروت و قدرت فراهم آمده و به طور غیرمستقیم به مردمسالارانه بودن تصمیم‌گیری‌های شهری، اعتماد و انسجام اجتماعی میان شهروندان، کم و کیف فضاهای عمومی شهری و مالکیت عادلانه‌ی فضا برای شهروندان خدشه وارد خواهد شد.

عوارض و درآمدهای وصولی در حریم استحفاظی: این روش تأمین مالی دارای اثر مطلوب بر کیفیت حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی و اثر مطلوب بر کیفیت حق مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی است. نحوه تأثیر آن نیز به موجب ارتقای مشارکت گروه‌های اقلیت شهری در تصمیم‌گیری‌های محلی به دلیل پرداخت بخشی از اقدامات صورت‌گرفته توسط شهرداری در خارج از محدوده و در حریم شهر، به شکل ضعیف و غیرمستقیم است.

عوارض بر پروانه‌های ساختمانی: براساس یافته‌های پژوهش، این روش تأمین مالی نامطلوب‌ترین آثار را بر حق‌برشهر بر جای می‌گذارد. عوارض بر پروانه‌های ساختمانی دارای اثر نامطلوب بر کیفیت حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی، اثر نامطلوب بر کیفیت حق مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی، اثر نامطلوب بر کیفیت حق بهره‌مندی از ویژگی‌های فضا و نیز اثر نامطلوب بر کیفیت حق مالکیت و دسترسی به فضا است. نحوه تأثیرگذاری آن به موجب اقلام درآمدی مهم و البته ناپایداری مانند عوارض تغییر کاربری زمین‌های شهری و عوارض تراکم مازاد است که طی آن، صاحبان ثروت و قدرت تصمیم‌گیری شهری را در اختیار خود قرار داده، به شکل مستقیم آراء شهروندان و اساس مردمسالاری در تصمیمات شهری تضییع می‌شود، عرصه عمومی به عرصه ابراز وجود طبقه‌ای خاص بدل شده و میزان دسترسی و بهره‌مندی از خدمات شهری برای مردم به دلیل حاکمیت قدرت و ثروت صاحبان آن، خدشه دار خواهد شد. علاوه بر این باید اشاره کرد که حجم قابل توجهی از این روش تأمین مالی شامل وجوه غیرنقد است که بسترساز ایجاد و استمرار انواع مفاسد در حوزه مدیریت شهری خواهد شد.

ساختمانی است، انجام می‌شود. تأمین اقلام درآمدی ذیل عوارض عمومی به طور مستقیم موجب ارتقای پاسخگویی مدیریت شهری به آحاد شهروندان و متعاقباً افزایش مشارکت مردم در تصمیم‌گیری حاکمیتی در حوزه‌ی محلی و همچنین باعث توانمندسازی مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری اجتماعی به واسطه مدیریت شهری به طور غیرمستقیم خواهد شد.

درآمدهای ناشی از عوارض اختصاصی: این روش تأمین مالی دارای اثر مطلوب بر کیفیت حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی شهروندان و اثر مطلوب بر کیفیت حق مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی آحاد شهروندان است. نحوه تأثیر آن نیز براساس حمایت تقنینی اما ناملموس بخشی از اقلام درآمدی تعریف‌شده در زیرمجموعه عوارض اختصاصی همچون برخی موارد درآمدی ناشی از قانون مالیات بر ارزش افزوده است. اقلام درآمدی مذکور به شکل اندک و غیرمستقیم باعث افزایش مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری اجتماعی در حوزه‌ی محلی خواهد شد. همچنین درآمدهای ناشی از عوارض اختصاصی دارای اثر نامطلوب بر کیفیت حق مالکیت و دسترسی به فضا است. نحوه تأثیر آن به موجب درآمد ناشی از حذف پارکینگ است که طی آن عدم ساخت پارکینگ به ازای دریافت عوارضی از شهروندان نادیده گرفته می‌شود. از این رو حق مالکیت فضا به شکل مستقیم و توسط خود شهروندان تضییع می‌گردد. هرچند حذف پارکینگ از جنس واگذاری دارایی سرمایه‌ای است، لکن در ساختار بودجه شهرداری تهران طی بازه‌ی زمانی مورد بررسی پژوهش، در بخش درآمدهای ناشی از عوارض اختصاصی منظور گردیده است.

بهای خدمات و درآمدهای مؤسسات انتفاعی: براساس یافته‌های تحقیق این روش تأمین مالی را می‌توان مطلوب‌ترین روش تأمین مالی مدیریت شهری از حیث اثرگذاری بر حق‌برشهر دانست. درآمد مؤسسات انتفاعی شهرداری و بهای خدمات آن‌ها دارای اثر مطلوب بر کیفیت حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی، اثر مطلوب بر کیفیت حق مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی، اثر مطلوب بر کیفیت حق بهره‌مندی از ویژگی‌های فضا و نیز اثر مطلوب بر کیفیت حق مالکیت و دسترسی به فضا است. نحوه تأثیر آن نیز به موجب شفافیت نهادینه در ماهیت دریافت بهای خدمات در مقایسه با دیگر مؤلفه‌های تأمین مالی است. پرداخت بهای خدمت عمومی در ازای استفاده از آن مانند خدمات ارائه‌شده توسط انواع مؤسسات عمومی و انتفاعی زیرمجموعه شهرداری همچون سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته، منجر به ارتقای قابل ملاحظه‌ی مطالبه‌گری شهروندان و متعاقباً افزایش پاسخگویی مدیریت شهری به شکل مستقیم خواهد شد و این امر موجب می‌شود تا فضاهای عمومی انتفاعی در شهر نیز به شکل بی‌واسطه هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی بهبود ارتقاء یابند.

درآمدهای حاصل از وجوه و اموال: این روش دارای اثر مطلوب بر کیفیت حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی و نیز اثر مطلوب بر گسترش حق مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی است. نحوه تأثیر آن به موجب ارتقاء و افزایش سرمایه‌های شهر رخ می‌دهد که در اصل به شهروندان شهر تعلق دارد. به کارگیری منابع

منابعی است که به موجب آن روش تأمین مالی خاص ایجاد شده است. به عنوان نمونه، منابع حاصل از وام‌های دریافتی شهرداری از سیستم بانکی کشور به دلیل آنکه اولاً قرض است و ثانیاً به واسطه ایجاد فعل و انفعال ناشی از مأموریت‌های مدیریت شهری ایجاد نشده و حصول آن رابطه متقابلی با وظایف شهرداری ندارد، لذا اثرگذاری آن بر حقوق شهروندان نسبت به شهر چندان معنادار نیست.

سایر منابع: این روش تأمین مالی که در واقع حول محور وصول مطالبات مدیریت شهری رقم می‌خورد، دارای اثر مطلوب بر کمیت حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی و همچنین اثر مطلوب بر کمیت حق مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی است. نحوه تأثیرگذاری این روش تأمین مالی به موجب جنبه مثبت و کالت دادن مردم به نمایندگان شورای شهر است. بر این اساس نمایندگان شهروندان در شورای شهر بازپس‌گیری طلب شهرداری یا به تعبیر دقیق‌تر همان طلب شهروندان را در ساحت بودجه شهر پیگیری می‌کنند که به شکل غیرمستقیم، مردم‌سالارانه بودن تصمیمات مدیریت شهری را نشان می‌دهد و در بلندمدت سبب ارتقای انسجام اجتماعی و بهبود توانمندی شهروندان خواهد داشت.

بررسی چپستی اثر، نحوه و شدت تأثیر روش‌های تأمین مالی

فروش اموال شهرداری: براساس یافته‌های پژوهش، این روش تأمین مالی جزء روش‌های دارای آثار نامطلوب بر حق‌برشهر است. فروش اموال شهرداری دارای اثر نامطلوب بر کیفیت حق مشارکت در تصمیم‌گیری حاکمیتی، اثر نامطلوب بر کیفیت حق مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی، اثر نامطلوب بر کمیت حق بهره‌مندی از ویژگی‌های فضا و اثر نامطلوب بر کمیت حق مالکیت و دسترسی به فضا است. نحوه تأثیرگذاری آن به موجب جنبه منفی و کالت دادن مردم به نمایندگان خود در شورای شهر و واگذاری اختیار تصمیم‌گیری در حوزه محلی است که مرز و محدوده آن در بسیاری از مصادیق تصمیم‌گیری شهری ابهام دارد. بر این اساس، نمایندگان مردم در شورای شهر گاه اجازه فروش اموالی از شهر را صادر می‌کنند که سرمایه‌های لاینفک شهر قلمداد می‌شوند. بدین معنا که فروش و احتمالاً تخریب و تغییر کاربری آنها در آینده، هویت شهر را دستخوش تغییر خواهد کرد. این امر موجب می‌شود ظرفیت فضاهای تفریحی و فراغتی شهر مورد معامله قرار گیرد و دسترسی و بهره‌مندی شهروندان از خدمات عمومی و همچنین مالکیت آن‌ها بر عرصه‌های عمومی شهر به شکل جبران‌ناپذیری آسیب ببینند.

وام‌های دریافتی: علت عدم اثرگذاری برخی روش‌های تأمین مالی بر مؤلفه‌های حق‌برشهر، اثر پذیری این مؤلفه‌ها از نحوه توزیع

نتیجه

شهر، در جهات مثبت و منفی یاد شد. اگرچه به شکل رایج تصمیم‌گیری منتخبین مردم بر مبنای رأیی که از آن‌ها گرفته اند آثار مطلوب بسیاری در پی دارد و مصداق مردم‌سالاری است، اما این مهم می‌تواند مشمول موارد استثناء نیز قرار گیرد. بر این اساس نمایندگان مردم به پشتوانه‌ی برآمدن از آراء عموم و در شرایطی که حوزه وظایف و اختیاراتشان به دلیل نقصان در قوانین و مقررات فرادست نا معین و منعطف است، ممکن است تصمیماتی اتخاذ کنند که هرچند ظاهراً در جهت نفع عامه به نظر می‌رسد، اما تحلیل زوایای پنهان و زمینه‌های اتخاذ تصمیم نشان از نتایجی دارد که تضییع حقوق مردم نسبت به شهر یکی از آن‌هاست.

۴- **علت واگذاری دارائی‌های سرمایه‌ای شهر:** عده‌ای در برابر این سؤال که شهرداری‌ها به چه علت دارائی‌های سرمایه‌ای خود را به فروش می‌رسانند تا بتوانند بخشی از هزینه‌های اداره شهر را تأمین کنند، پاسخ می‌دهند چون راه دیگری ندارند. لکن واقعیت موضوع آن است که واگذاری زمین و هوای شهر و دریافت پول به ازای آن، سهل‌الوصول‌ترین و ساده‌ترین راه تأمین منابع مورد نیاز شهر است. این در حالی است که گزینه‌های جایگزین متعدد و متنوعی برای این منظور وجود دارند اما به دلیل نیاز به تجزیه و تحلیل دقیق، صرف زمان و انرژی بیشتر و در یک کلام به جهت نیاز به تأمل، تعمق و کار بیشتر برای شناسایی، آزمایش و استفاده از آن‌ها، مورد توجه قرار نمی‌گیرند که این موضوع یکی از مسائل مضمن شهرداری‌های کشور در شرایط کنونی است و پرداختن به آن مجال دیگری می‌طلبد.

۵- **اهمیت نقش دستگاه‌های ناظر بر مدیریت شهری:**

شهرداری تهران بر ابعاد و مؤلفه‌های حق بر شهر و همچنین تفسیر یافته‌های حاصل از این بررسی، حاوی محورهایی است که توجه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران شهری به این محورها در تهیه و تصویب لوایح بودجه سنواتی شهرداری تهران می‌تواند جایگاه حق‌برشهر و توجه به صیانت از آن در تأمین منابع مالی شهرداری را ارتقاء دهد. این محورها عبارتند از:

۱. **بهای خدمات و درآمد مؤسسات انتفاعی، مطلوب‌ترین روش کسب درآمد برای شهرداری:** اگرچه براساس بررسی بودجه‌های مصوب شهرداری تهران، این روش‌های تأمین مالی نسبت به برخی دیگر از روش‌های تأمین مالی به لحاظ میزان اعتبار، کوچک است، اما وجود مکانیزم شفافیت به دلیل افزایش مستقیم و بی‌واسطه‌ی مشارکت شهروندان در تأمین منابع لازم به منظور مدیریت فضای عمومی محل زندگی‌شان و متعاقباً ارتقاء مطالبه‌گری آن‌ها از مدیران شهری، سبب می‌شود تا با ایجاد شکلی از نظارت اجتماعی خودکار، مانع تضییع حقوق شهروندان بر شهر شود.

۲. **درآمدهای حاصل از وجوه و اموال شهرداری و تردید در مطلوبیت آن:** هرچند این روش تأمین مالی شرایط به ظاهر مطلوبی را در میان ۱۰ روش تأمین مالی مورد بررسی در این مقاله کسب کرده، لکن با توجه به جزئیات بودجه شهرداری تهران و ماهیت غالباً غیرنقد این روش درآمدی که عمدتاً شامل املاک و مستغلات ارزشمند شهری است، موجب شده تا به مطلوبیت آن با تأمل و تردید نگریسته شود.

۳- **اعطای وکالت از سوی مردم به نمایندگان شورای شهر:** در این مقاله از سازوکار وکالت مردم به نمایندگان شورای

هرگونه مالیات صرفاً به حکم قانون مشروط گردیده است. بنابراین ستاندن اموال شهروندان با استفاده از روش‌های غیرقانونی و تحت لوای قدرت سیاسی حتی به قصد انجام امور شهری ممنوع قلمداد می‌شود.

۷- توجه به ماهیت سخت قانون در تأمین مالی شهری:

آنچه که در ساحت عمومی موضوع بده و بستان قرار نمی‌گیرد، قانون است. ضابطه‌ی جمعی، غیرقابل معامله بوده و تار و پود جامعه بر آن بنا شده است. به تعبیر برخی اهالی علم حقوق، جوهره‌ی فرهنگ و تمدن جامعه، از قانون ناشی می‌شود. شهر فروشی یک مرحله پس از قانون فروشی است و این بدان معناست که اگر قانون محل زبوند اصحاب ثروت و قدرت قرار گرفت، پس از آن هر موجودیتی حتی شهر نیز می‌تواند محل معامله ذی نفوذان قرار گیرد.

۸- اهمیت توجه به مأموریت مدیریت شهری: با گذشتن از

ابعاد و جنبه‌های متعدد و متنوعی که نظام تأمین مالی شهرداری‌ها به همراه دارد، توجه به این موضوع که مأموریت اصلی مدیریت شهری تأمین زندگی مطلوب و با کیفیت برای شهروندان است، موجب می‌شود تا در حوزه‌های عملکردی مدیریت عمومی از جمله بودجه‌ریزی و مالی، تأمل و دقت بیشتری لحاظ شده و در صورت بروز خطا، اثر سوء اقدامات صورت گرفته به دلیل تضییع حقوق شهروندان به زیان آنان تمام شده و مدیریت شهری به دلیل ایفای نقش مستقیم در این تضییع حق، دچار نقض غرض خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

منابع درآمدی شهرداری تهران مستند به مصوبات بودجه سالیانه شهرداری است که در شورای شهر به تصویب رسیده است. بنابراین روش‌های تأمین مالی شهرداری، صرفاً با تصمیم شهرداری تعیین نشده و شورا و شهرداری به‌عنوان دو رکن مکمل مدیریت محلی طی هماهنگی با یکدیگر منابع مالی مطلوب جهت تأمین هزینه‌های شهر را تصویب می‌کنند. در چنین شرایطی نقش نهادهای فرادست و ناظر بر عملکرد مدیریت شهری نقشی حیاتی است. در محدوده موضوع این پژوهش، فرمانداری تهران و هیأت تطبیق مصوبات شوراهای شهر با قوانین و مقررات را می‌توان مهم‌ترین نهاد مافوق و ناظر بر عملکرد شهرداری و شورای شهر تهران قلمداد کرد و روشن است که نحوه نظارت دستگاه‌های مزبور بر شیوه‌های کسب منابع مالی در شهرداری تهران و در قالب بودجه‌های سنواتی مصوب شورای شهر تهران، بر کم‌وکیف حقوق شهروندان تهرانی اثرگذار خواهد بود.

۶- عمل به قانون و توجه به اهمیت آن در نظام مدیریت شهری:

بدیهی است که هزینه‌ی اداره‌ی شهر توسط آحاد شهروندان پرداخت می‌شود. همچنین نوع منابع مالی و محل صرف هزینه‌های عمومی در سطح کلان براساس قوانین بالادستی تعیین می‌شود. در این بین خودکامگی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران شهری در تعیین منابع مالی شهری می‌تواند و در سالیان اخیر توانسته آثار زیان بار و جبران‌ناپذیری بر روح و جسم شهرها و به تبع آن کشور وارد کند. به لحاظ حقوقی، دارایی مردم مصون از تعرض است و نحوه دریافت مال از ایشان آنچنان مهم بوده که در اصل ۵۱ قانون اساسی وضع

۱۳۹۴ شهرداری تهران، نشر شهر، تهران.
 اداره کل برنامه و بودجه شهرداری تهران (۱۳۹۳)، بودجه مصوب سال ۱۳۹۳ شهرداری تهران، نشر شهر، تهران.
 رفیع پور، فرامرز (۱۳۹۴)، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، شرکت سهامی انتشار، تهران.
 رفیعیان، مجتبی و الوندی پور، نینا (۱۳۹۴)، مفهوم‌پردازی اندیشه حق بر شهر؛ در جستجوی مدلی مفهومی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۲۵-۴۷.
 شریف‌زادگان، محمد حسین و ندایی طوسی، سحر (۱۳۹۴)، روش‌های پژوهش کیفی در برنامه‌ریزی توسعه با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
 کاظمیان، غلامرضا، صالحی، اسماعیل و ایازی، محمدهادی (۱۳۹۲)، مدیریت شهری؛ جلد اول مبانی و حوزه‌ها، نشر تیس، تهران.
 کریمی، عباس و کامیار، غلامرضا (۱۳۹۶)، حقوق شهروندی در قلمرو شهرنشینی، نشر دادگستر، تهران.
 معروفی، حسین و وحیدی برجی، گل‌دیس (۱۳۹۴)، فضا و تحقق‌پذیری حق شهری: شناسایی مؤلفه‌های فضایی برآمدی از حق شهری به منظور تحلیل و ارزیابی پروژه نواب در تهران و لادفانس در پاریس، فصلنامه مطالعات شهری، دوره ۴، شماره ۱۶، صص ۵-۱۴.
 هادی زوز، بهروز (۱۳۸۵)، بازنگری ساختار نظام درآمدی شهرداری تهران، شرکت خدمات مدیریت ایرانیان، تهران.
 هولستی، آله آر (۱۳۷۳)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

1. Paul Samuelson.

2. Kenneth Arrow.

۳. مبتنی بر آیین نامه مالی شهرداری‌ها و اقسامی از قوانین موضوعه کشور، کمک‌های دولت به شهرداری‌ها یکی از اقلام منابع درآمدی شهرداری هاست اما به دلایلی همچون ناتوانی مالی دولت، این قلم درآمدی در ردیف‌های منابع بودجه سنواتی شهرداری تهران در سال‌های مورد بررسی درج نشده است.

۴. برخی از واژگان مورد استفاده در روش‌های تأمین مالی شهرداری تهران از جمله «حریم استحفاظی» به موجب قوانین موضوعه کشور تغییر کرده اما همچنان در بودجه شهرداری تهران استفاده می‌شود.

5. Thomas Humphrey Marshall.

6. Henri Lefebvre.

7. Harvey.

8. Purcell.

9. Isin.

10. Attoh.

11. The Right to Individualization.

12. Directed Content Analysis.

13. Composite Reliability.

فهرست منابع

اداره کل برنامه و بودجه شهرداری تهران (۱۳۹۶)، بودجه مصوب سال ۱۳۹۶ شهرداری تهران، نشر شهر، تهران.
 اداره کل برنامه و بودجه شهرداری تهران (۱۳۹۵)، بودجه مصوب سال ۱۳۹۵ شهرداری تهران، نشر شهر، تهران.
 اداره کل برنامه و بودجه شهرداری تهران (۱۳۹۴)، بودجه مصوب سال

pp. 642-631.

Lefebvre, H. (1996), *Space and Politics*. In: Kofman E. and Lebas E. (eds), Cambridge, Blackwell.

Purcell, M. (2002), *Excavating Lefebvre: The right to the city and its urban politics of the inhabitant*, GeoJournal, 58 (2-3), pp. 99-108.

Purcell, M. (2013), *Possible worlds: Henri Lefebvre and the right to the city*, Journal of Urban Affairs, 36(1), pp. 141-154.

Taylor, P. (2006), *The Urban Governance Index: A tool to measure the quality of urban governance*, Paris: Presentation to UNESCO UNHABITAT meeting.

city?, *Progress in Human Geography*, 35(5), pp. 669-685.

Besley, T. and Coate, S. (2003), *Centralized Versus Decentralized Provision of Local Public Goods: A Political Economy Approach*, *Journal of Public Economics*, 87(12), pp. 2611-2637.

Harvey, D. (2008), *The New Imperialism: Accumulation by Dispossession*, *Socialist Register*, 40(3), pp. 63-87.

Isin, E. (2000), *Introduction: democracy, citizenship and the city*, New York, Routledge.

Jabareen, Y. (2014), *The right to the city, revisited Assessing urban rights - The Case of Arab Cities in Israel*, *Habitat International*, 41, pp. 135-141.

Kracauer, S. (1952), *The Challenge of Qualitative Content Analysis*, *International Communications Research*, 10 (4),



The Impact of Urban Management Financing Methods on the Right to the City in Tehran Metropolis*

Gholamreza Kazemian¹, Gholamreza Kamyar², Amir Hossein Masoumifar^{**3}

¹Associate Professor of Urban Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

²Lawyer First Grade of Justice and University Lecturer, Tehran, Iran.

³Graduate Student in Urban Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

(Received 18 May 2019, Accepted 19 Apr 2020)

If by the end of the 20th century a citizen was defined as a national of a country, today the citizen is referred to as an urbanite who corresponds to the concept of right to the city. This has made it increasingly important to determine the proportion of citizens' rights in the face of the city and urban issues in recent years. On the other hand, the challenge of financing the management of cities has become one of the main issues of the municipalities especially in Tehran that determination quantity and quality of its impact on the right to the city is the subject of this research. The research method is descriptive-analytical in terms of type, applied in terms of purpose and data analysis is qualitative directed content analysis. The required data were collected through 15 semi-open interviews with experts. In data analysis, the most frequently used concepts in interviews were extracted and then coded categories were identified. Then, based on the analytical research model consisting of 3 dimensions and 10 components in the variables of financing methods of urban management and 2 dimensions and 4 components in the right-to-city variable, the coding process corresponding to the research question was performed. The reliability of the coding was calculated using composite reliability technique with an output of 0.82. The results showed that the cost of services and income of urban for-profit organizations are the most favorable and the complications on building permits are the most undesirable methods of financing are the effect on the right to the city. Also among the right-to-city components, the right to participate in sovereign decision making take the most positive effect from urban management financing methods, and the right to ownership and access to space take the most negative effect from financing methods. In inferring from the results, it can be pointed out that the methods that are more transparent and follow the demands of the citizens, have become more desirable. Also, methods whose non-cash

nature is superior to their cash nature are less desirable due to the non-transparent mechanism of their collection and absorption. It seems that the use of financing methods based on the transfer of capital assets is common due to their accessibility and alternative options due to the need for in-depth, accurate measurement, time-consuming cost-benefit analysis and in general Due to the need for reflection, more reflection and work to identify, test and use them are not considered. Meanwhile, the lack of proper oversight of municipal budget approvals by the relevant organizations has led to the institutionalization of unsustainable financing methods in this organization. From a legal point of view, the property of the people is inviolable and their property is so important that Article 51 of the Constitution makes the establishment of any kind of tax subject to the rule of law. Therefore, the acquisition of citizens' property in illegal ways and under the cover of public power and with the motive of managing the affairs of the city is prohibited.

Keywords

Financing, Urban Management, Right to the City, Content Analysis, Tehran.

*This article is extracted from the third author's master thesis, entitled: "The impact of management financing system on citizenship rights in tehran metropolis" under supervision of the first author and the advisory of the second author.

** Corresponding Author: Tel: (+98-912) 7853824, Fax: (+98-21) 55893611, E-mail: ah.masoumifar@yahoo.com